

ای بنی اسرائیل گوش کنید: تنها خدایی که وجود دارد، خداوند ماست. شما باید او را با تمامی دل و جان و توانایی خود دوست بدارید. این قوانینی که امروز به شما می‌دهم باید دائم در ذهنتان باشد. درباره آن‌ها صحبت کنید خواه در خانه باشید و خواه در بیرون، خواه هنگام خواب باشد و خواه اول صبح. آن‌ها را روی انگشت و پیشانی خود ببندید. آن‌ها را بر سر در خانه‌ها و دروازه‌های شهر بنویسید.

"من صد در صد به خدا ایمان دارم!" وقتی کسی آن جمله را ابراز می‌کند، امکان دارد که در شرایط شک و تردید است. می‌تواند آنطور باشد که فرد می‌خواهد صد در صد ایمان داشته باشد اما نمی‌تواند به خدا ایمان داشته باشد. اما اعتراف به ایمان نیز می‌تواند متفاوت به نظر برسد: یک فرد گفت: «من در تمام این سال‌ها مؤمن بودم. من در این کلیسا غسل تعمید و تایید شدم. الان میدونم که به خدا ایمان دارم.» اما ممکن است کسی، تحت فشار شدید یا حتی در مرز خطر مرگ، تصمیم گرفته باشد که تعمید بگیرد و مسیحی باشد و به خدای سه گانه ایمان بیاورد. آیا همه موارد به این معنی است که ما به خدا ایمان واقعی داشته باشیم یا نه؟ در کتاب مقدس می‌بینیم که خدا از ما انسان‌ها ایمان را انتظار دارد. خداوند از هر یک از ما می‌خواهد که شخصاً ایمان داشته باشیم. ما همچنین نمونه‌های زیادی از ایمان قوی به خدا را در کتاب مقدس می‌یابیم. ابراهیم به خدا ایمان داشت و حاضر بود تنها پسرش اسحاق را برای خدا قربانی کند. با وجود آزمایشها، ایوب به خدا ایمان داشت. وقتی می‌خواهیم ایمان واقعی را پیدا کنیم باید به سوی خدا برویم. ما این ایمان واقعی را از جانب خدا می‌آموزیم. خدا همیشه ایمان واقعی داشت و آن را با کارش مدرک کرده است چون باری خدای ما، هر چیز کامل، نیک و قابل اطمینان

با خدای ما، همه چیز کامل است. وقتی که او این دنیا را خلق کرد، از کوچکترین موجود تا آن بزرگترین موجود را کامل آفرید و همه چیز کامل بود و هیچ چیزی قلابی نبود. همه چیز همان‌طور بود که او وعده داد. و همه چیز طبق کلام او بیان کرده بود. او همه چیز را به طور کامل آفرید. و این چیز طبق دستورش به موجود زنده تبدیل شد! هدف خداوند با این کار یک عشق حقیقی است! چون خدا هیچ چیز ناقصی را خلق نمی‌کند، به این دلیل یهودی سال‌ها ی قبل با بیان این کلام مرده اند که امروز خوندیم: «ای بنی اسرائیل گوش کنید: تنها خدایی که وجود دارد، خداوند ماست. شما باید او را با تمامی دل و جان و توانایی خود دوست بدارید!» حال ما دور همین وعده خدا که کامل‌ترین است جمع می‌شویم و به آن متوسل می‌شویم. ولی آیا ایمان ما به خدای متعال واقعی است؟ مارتین لوتر با این سؤال بسیار جدی برخورد کرده بود. او سالها مشاهده می‌کرد چگونه مردم سعی می‌کردند بخشش گناهان را با پول بخرند. سالها خودش تلاش می‌کرد، تا می‌توانست ایمان حقیقی با عمل خوب بخرد تا بالاخره درک کرد که این کار بیهودی و پوچ بود. امروز ما هم این سؤال داریم. ایمان ما حقیقی است یا نه؟ اغلب ایمان ما به توهم و فریب تبدیل می‌شود وقتی به چالش کشیده شویم. این زمانی مشخص می‌شود که ترجیح می‌دهیم جلوی تلویزیون بنشینیم تا اینکه به کلام خدا گوش

دهیم یا دعا کنیم. وقتی در میان دوستان زیادی زندگی می‌کنیم که به خدا هر گز ایمان ندارند، سکوت می‌مانیم. حتی زمانی که تمام اعتماد را به حساب بانکی و نیروی خودم متکی کنیم مدرک می‌زنیم که حتی به قدرت خدا که تمام دنیا را با آن ساخته است فکر نکنیم. و چقدر ایمان من در امن خواهد بود وقتی مجبور باشم با آخرین نفس هایم اینجا روی زمین خداحافظی کنم؟ بله، وقتی صحبت از ایمان ما می‌شود، می‌توانیم از یک چیز مطمئن باشیم: نه واقعی است و نه به وعده خود عمل می‌کند. و با این حال خداوند از ما آنچه را که خودش می‌دهد می‌خواهد. ایمان کامل! تو باید خدا را با تمام وجود خود و تو باید خدا را با تمام قلب خود دوست بدار! «تو باید او را با تمام توانای خود خدمات کنی!» خدا هیچ چیز را ناقص نمی‌خواهد! خدا کسانی را نمی‌خواهد که در زبان ایمان دار نشان می‌دهند و در عمل و در ذهن خودشان مُنکر ایمان خودشان هستند. خدا کسانی را نمی‌خواهد که بجز در کریسمس از کلیسا رفتن و طبق زندگی عادی همین خدا را اجتناب می‌کند. خدا تو را با تمام موجودیت خود می‌خواهد! همانطور که هستی! تمام آرزوهای تو! و با تمام رؤیا هایی که داری! او ما را کامل می‌خواهد! اما ما انسانها نمی‌خواهیم به خدا آنطور خدمت کنیم. بر عکس ما خودشان شخصاً می‌خواهیم خدا باشیم. ما می‌خواهیم خودمان انتخاب کنیم که ما چه کاری را باید انجام دهیم و چه کاری را نباید انجام دهیم. بعد از این ما هزاران نفر را دنباله می‌کنیم! ولی ما خدا را دنبال نمی‌کنیم.

با وجود همین کار ما، عیسی آمد. او هیچ ریاکار ندارد و هیچ چیز ناقصی در او پیدا نمی‌شود. او خدا را با تمام قلب و وجود و توانایی خودش دوست می‌داشت. با او همه چیز به سوی کمال می‌رود! او این را در عملش ثابت کرد و اگر او همه چیز را به صورت کامل انجام داد، هدف عیسی این بود: او می‌خواهد طبق اراده خدا به سمت ما گام بر می‌داشت. و اراده خدا این بود که او نباید از زندگی روزمره ما دور باشد و باید درست در وسط این مکان ما حضور داشته باشد... درست در بین ما! بله خداوند از طریق عیسی یک پیامی را برای مردم فرستاد. و آن اینکه، او باید به سمت ما می‌آید! و وقتی عیسی به سمت ما انسان‌ها آمد پس این کار کامل می‌کند چون هیچ نقصی به وجود او راه ندارد! برای همین هم است که عیسی برای تمام انسان‌ها و تمام زمان‌هاست! برای همین هم عیسی فقط برای آدمهای مذهبی اینجا نیست بلکه برای هر انسان‌ها! او دقیقاً برای کسانی اینجا است که فرمانهای او را می‌شکستند. او برای تمام کسانی اینجا است که همه کار کردند تا او را بکشند. این مَحبت عیسی است که با مرگ او بروی صلیب به تمام انسان‌ها به ارث رسید. ما از آن طریق می‌توانیم دوباره مَحبت خداوند را داشته باشیم و او را ملاقات کنیم. الان ما اینجا ایستاده‌ایم و خداوند نمی‌خواهد نصف حقیقت ما را بی‌پاسخ بگذارد. امروز هم خدا به صورت کامل به سوی ما می‌آید. و از طریق روح خودش، حتی او در وجود ما زندگی می‌کند. و این روح القدس تا آخر عمر با ما و در ما حضور دارد تا ما بتوانیم با خدا ارتباط ابدی داشته باشیم. و لنگری که باعث می‌شود این روح القدس در ما بماند همین تعمید است و با تعمید است که خدا به ما یک قسمتی از خودش را می‌دهد و فرزند خواندگی خودش را به ما هدیه می‌دهد. و آن لنگر و پایه دیگر این کلام ما همین مراسم نان و شراب مقدس است، که ما از طریق آن جسم و خون مسیح را دریافت می‌کنیم. و با این دو چیز است که ما از سرزمین نقص به سوی کمال می‌رویم و با خدا متحد می‌شویم و با او یکی می‌شویم و در اوست که همه چیز کامل است و ما نیز از او می‌شویم. و بعد اگر اینطور باشد، وقتی شیطان ما را با تمام وسوسه‌ها به سوی خودش می‌خواند، ما در ایمانمان می‌مانیم. و ما اجازه داریم در تمام روزها در ایمانمان محکم بمانیم. این ایمان است که همیشه و در همه روزها می‌ماند. و حتی ما در آخرین نفسی که داریم می‌کشیم با همچین ایمانی، بیان خواهیم کرد که: «تنها خدایی که وجود دارد، خداوند ماست. شما باید او را با تمامی دل و جان و توانایی خود دوست بدارید»

مارتین لوتر این ایمان را در سال ۱۵۱۷ در مسیح یافت. قبل از آن زمان ایمان در کلیسا از بین رفته بود. ۹۵ قانون کلیساها مخالف این ایمان بودند. مارتین لوتر این ۹۵ جمله را در ویتنبرگ

آشکار کرد. حتی امروز ، ما باید هر چیزی را که مانع از ایمان واقعی است ، پاک کنیم. آمین